



REVIEW PAPER

Application of environmental justice to promote the security of coastal village policies:

Mortaza Tavakoli¹, Ali Mokhtari Karchgani^{2,*}¹ Faculty member of the Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; Head of the National Institute of Oceanography and Atmospheric Sciences² Ph.D. Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 2024/09/14

Revised: 2024/11/11

Accepted: 2024/11/5

Keywords:

Environmental justice

Policy security

Rural development

*Corresponding author:

✉ Ali_Mokhtari@Modares.ac.irDoi: [10.52547/joc.15.58.10](https://doi.org/10.52547/joc.15.58.10)ORID: [0000-000-7699-4636](https://orcid.org/0000-000-7699-4636)

ABSTRACT

Background and Theoretical Foundations: This research tries to examine the application of environmental justice as a comprehensive and integrated approach that provides new capacities to improve the security of rural policies. Environmental justice, as a key approach in rural policies, seeks to balance the needs of the human-natural environment to ensure rural policies. This approach not only seeks to correct historical injustices but also aims to empower rural communities by ensuring that their voices and needs are considered in environmental governance. By analyzing the literature, it can be seen that the application of the environmental justice approach in rural communities will unravel new aspects of complexities and uncertainties, such as inequalities in access to natural resources and the effects of climate change, etc., that these communities are struggling with. In such a way that by implementing the principles of environmental justice in the principles of rural policy, it is possible to improve the quality of life and increase the resilience of these communities. Also, investigating practical solutions for integrating environmental justice in decision-making and rural planning processes is one of the inevitable explorations of this study, which leads not only to the sustainable development of rural communities but also to strengthening social solidarity and increasing community participation in local policies.

Methodology: The current research method is based on the content analysis of the environmental justice literature with a focus on rural policy making, and by defining the entry and exit criteria, it has been tried to extract the most reliable statistical population of articles from the Scopus database. The stages of literature identification, two stages of identification and screening management of English-language articles were carried out, and finally, 46 articles were analyzed and interpreted as samples.

Findings: It was found that the unique experience of rural areas, despite being common on a planetary scale, can be used in different ways according to the policy system of the countries. In a way, it was shown in the research process that the policy fields need fundamental changes for more adaptation in terms of economy, mobilization of local knowledge, and agricultural ecology. Also, the need for the presence of multiple actors in the rural development flow, especially civil institutions as representatives and advocates of vulnerable rural groups, can help to streamline development.

Conclusion: It was found that the unique experience of rural areas, despite being common on a planetary scale, can be used in different ways according to the policy system of the countries. In a way, it was shown in the research process that the policy fields need fundamental changes for more adaptation in terms of economy, mobilization of local knowledge, and agricultural ecology. Also, the need for the presence of multiple actors in the rural development flow, especially civil institutions as representatives and advocates of vulnerable rural groups, can help to streamline development.



NUMBER OF TABLES

1



NUMBER OF FIGURES

1



NUMBER OF REFERENCES

73

عدالت زیست‌محیطی کاربستی برای ارتقاء امنیت سیاست‌گذاری‌های سکونتگاه‌های ساحلی

مرتضی توکلی^۱، علی مختاری کرچگانی^{۲*}^۱ عضو هیأت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ رئیس پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی^۲ گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>پیشینه و مبانی نظری پژوهش: این پژوهش عدالت زیست‌محیطی را به‌عنوان یک رویکرد شمول و یکپارچه مطرح نموده که ظرفیت‌های جدیدی جهت ارتقاء امنیت سیاست‌گذاری‌های روستاهای ساحلی ارائه می‌کند. عدالت زیست‌محیطی به‌عنوان یک رویکرد کلیدی در سیاست‌گذاری‌های روستاهای ساحلی، به دنبال توازن میان نیازهای محیط انسانی – طبیعی سعی در تضمین سیاست‌گذاری‌های در این مناطق را دارد.</p> <p>روش‌شناسی: روش پژوهش حاضر، مبتنی بر تحلیل محتوای ادبیات عدالت زیست‌محیطی با تمرکز بر سیاست‌گذاری روستاهای ساحلی است که از طریق تعریف معیارهای ورود و خروج سعی شده، به استخراج معتبرترین جامعه آماری مقالات از پایگاه داده Scopus اقدام نماید. مراحل شناسایی ادبیات، دو مرحله شناسایی و مدیریت غربالگری مقالات انگلیسی زبان صورت پذیرفت که نهایتاً ۴۶ مقاله به‌عنوان نمونه مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفتند.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاصل از تحلیل مقالات نشان می‌دهد که مضامین کلی در سه مضمون اصلی سیاست‌گذاری معیشتی روستایی «اقتصاد روستایی»، «دانش مبتنی بر جوامع روستایی» و «بوم‌شناسی کشاورزی» قابل شناسایی است. نتایج به‌دست آمده نشان داد که رویکرد عدالت زیست‌محیطی در دوره‌ای که عدم قطعیت‌ها روز به روز در حال فزونی هستند، قادر به الحاق بینش‌های جدیدی برای حوزه سیاست‌گذاری روستایی است که به تضمین موفقیت آن‌ها کمک می‌کند.</p> <p>نتیجه‌گیری: مطابق با نتایج، مشخص گردید که تجربه منحصربه‌فرد مناطق روستایی علی‌رغم اینکه در مقیاس سیاره‌ای مشترک هستند، اما با توجه به نظام سیاست‌گذاری کشورهای می‌تواند کاربست‌های متفاوتی به‌کار گیرد. به نحوی که زمینه‌های سیاست‌گذاری برای انطباق بیشتر در تمامی جنبه‌های توسعه روستایی دارد. همچنین، لزوم کثرت حضور بازیگران جریان توسعه روستایی، مخصوصاً نهادهای مدنی به‌عنوان نمایندگان و وکیل مدافع گروه‌های آسیب‌پذیر روستایی، می‌تواند به جریان‌سازی توسعه کمک نماید.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۴ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۳/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۵</p> <p>واژگان کلیدی: عدالت زیست‌محیطی امنیت سیاست‌گذاری توسعه روستاهای ساحلی</p> <p>*نویسنده مسئول ✉ Ali_Mokhtari@Modares.ac.ir</p> <p>Doi: 10.52547/joc.15.58.10 ORID: 0000-000-7699-4636</p>

مقدمه

هستند. سیاست‌هایی که عدالت زیست‌محیطی را در اولویت قرار می‌دهند، می‌توانند به دسترسی عادلانه‌تر به منابع، بهبود انعطاف‌پذیری در برابر اثرات آب‌وهوا و افزایش امنیت غذایی منجر شوند. برای مثال، ابتکاراتی که شیوه‌های کشاورزی پایدار را ترویج می‌کنند، می‌توانند به کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی کمک کنند و درعین حال فرصت‌های اقتصادی را برای کشاورزان روستایی فراهم کنند. علاوه بر این، این سیاست‌ها می‌توانند به مسائل سیستمی مانند ناامنی مالکیت زمین، که به طور نامتناسبی بر گروه‌های حاشیه‌نشین، از جمله زنان و جمعیت‌های بومی تأثیر می‌گذارد، بپردازند.

گنجاندن عدالت زیست‌محیطی در سیاست‌های معیشتی در روستاهای ساحلی نیز به معنای تقویت مشارکت جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری است [۹]. این رویکرد مشارکتی تضمین می‌کند که دانش محلی و شیوه‌های فرهنگی مورد احترام قرار می‌گیرند و در چارچوب‌های سیاست ادغام می‌شوند و منجر به نتایج مؤثرتر و پایدارتر می‌شوند. با حمایت از سیاست‌هایی که نه تنها از نظر زیست‌محیطی سالم هستند، بلکه از نظر اجتماعی نیز عادلانه هستند، ذینفعان می‌توانند آینده عادلانه‌تر و پایدارتری را برای جوامع روستایی ایجاد کنند.

طبق نظر فیلیپ و رایش (۲۰۱۵)، عدالت زیست‌محیطی به رفتار منصفانه و مشارکت معنادار همه افراد بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، منشأ ملی یا درآمد در مورد توسعه، اجرا و اجرای قوانین، مقررات و سیاست‌های زیست‌محیطی اشاره دارد. «(ص. ۴۷۴) در دوره‌ای که نابرابری‌ها و تأثیرپذیری مناطق روستایی از تغییرات محیطی بیشتر می‌شود؛ کلیدواژه عدالت زیست‌محیطی، می‌تواند یک مفهوم قانونی برای سیاست‌گذاری روستایی باشد. زیرا این مفهوم به‌عنوان یک بینش مضاعف در سیاست‌گذاری فضایی، جمعیت‌های آسیب‌پذیر برای توسعه دانش محلی و دفاع از خودمختاری تصمیمات دولت محلی تشویق می‌کند [۵]. اگرچه مطالعات به صورت جسته و گریخته مانند سزی و لند (۲۰۰) و مطالعه ویا و همکاران (۲۰۲۰) درک جنبه‌های مختلف عدالت زیست‌محیطی را تشویق می‌کنند [۸]؛ اما، عدالت زیست‌محیطی و پایداری به‌طور کامل در فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در زمینه معیشت مناطق روستایی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت، تلافی سیاست‌های عدالت زیست‌محیطی و معیشت روستایی، مسیری را برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ارائه می‌کند. با اولویت‌بندی نیازهای جمعیت‌های آسیب‌پذیر، سیاست‌گذاران می‌توانند ضمن ارتقای یکپارچگی زیست‌محیطی، امنیت معیشت روستایی را افزایش دهند، بنابراین به هر دو بعد اجتماعی و زیست‌محیطی عدالت توجه کنند.

در پاسخ به کمبودهای دانش شناسایی شده در بالا، این مرور ادبیات نظام‌مند با هدف به تصویر کشیدن درک دقیقی از مداخلات ارتباط عدالت زیست‌محیطی در خلق امنیت سیاست‌گذاری روستاهای ساحلی است. این پژوهش، با استفاده از موارد گزارش‌ترجیحی برای

عدالت زیست‌محیطی چارچوبی حیاتی برای رسیدگی به نابرابری‌هایی سرزمینی است که جوامع با آن مواجه هستند، به‌ویژه در روستاهای ساحلی که مقوله معیشت، اغلب با کیفیت محیطی در هم تنیده است. از آنجایی که تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست به طور فزاینده‌ای معیشت روستایی را تهدید می‌کند، ادغام اصول عدالت زیست‌محیطی در امنیت سیاست‌گذاری‌های روستاهای ساحلی ضروری می‌شود [۱، ۲]. به بیانی دیگر، عدالت زیست‌محیطی در بافت روستایی به معنای تضمین امنیت معیشتی در محیطی امن از طریق حقوق منصفانه، عادلانه و مشخص شده در دسترسی و استفاده پایدار از منابع طبیعی، از جمله سازوکارهای ایجاد، اعمال و دفاع از آن حقوق است [۳]. این رویکرد نه تنها به دنبال اصلاح بی‌عدالتی‌های تاریخی است، بلکه هدف آن توانمندسازی جوامع روستایی از طریق حصول اطمینان از در نظر گرفتن صداها و نیازهای آنها در حاکمیت محیطی است.

ادبیات جهانی بیان می‌کند که سلامت و رفاه انسان نتیجه تعاملات انسان و محیط زیست است [۴]. بدین ترتیب، کسانی که از منظر عدالت زیست‌محیطی بهره می‌برند، تفاوت وجود ظلم محیطی بین مناطق شهری و روستایی را تصدیق می‌کنند [۵]. به طور مثال، بلایای ناشی از تغییرات آب‌وهوایی و سایر رویدادهای فاجعه‌آمیز به طور نامتناسبی بر صنعت کشاورزی در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد [۶]. به‌عنوان مثال، سیل ۲۰۲۱ اقیانوس آرام شمال غربی باعث مرگ حدود ۶۰۰۰۰۰ حیوان مزرعه و آواره شدن تقریباً ۱۸۰۰۰ نفر در جوامع روستایی در دره فریزر، بریتیش کلمبیا، کانادا شد که منجر به اختلال در عرضه محصولات کشاورزی مرتبط در استان‌های غربی کانادا و فراتر از آن شد [۷]. از آنجایی که صنعت کشاورزی جزء لاینفک جامعه است و مواد غذایی برای مردم غیرنظامی و محصولات لازم برای سایر کالاها و خدمات مانند تولید پوشاک را تأمین می‌کند، برنامه‌ریزان روستایی برای پاسخگویی به این رویدادهای شدید در جوامع روستایی فراخوانده شده‌اند و به معیشت، سلامت و بهداشت آنها رسیدگی می‌کنند. سایر پیامدها به نوبه خود، مداخلات نوظهور و درعین‌حال‌درعین‌حال امیدوارکننده‌ای در پاسخ به تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر جوامع روستاهای ساحلی شناسایی شده است. به طور خاص، فایفر^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان داد که چگونه با بسیج اجتماعی می‌توان به مهاجرین تازه وارد در آمریکا جهت مقابله با آسیب‌های ناشی از مقادیر نامتناسب آفت‌کش‌ها و سایر سموم مقابله کنند [۸]. باین‌حال، درک جامع از این شیوه‌های امیدوارکننده در جوامع ساحلی کم است.

کاربرد عدالت زیست‌محیطی در سیاست‌های سیاست‌های معیشتی روستایی مستلزم شناخت آسیب‌پذیری‌های منحصر به فرد این جوامع است که اغلب برای بقای اقتصادی خود به منابع طبیعی متکی

تعامل کنند. ، پرورش یابند و محافظت شوند» [۱۲]. به زبان ساده، عدالت زیست‌محیطی را می‌توان به‌عنوان عدالتی بیان کرد که زمینه‌ساز تصمیم‌گیری در مورد نتایج استفاده از زمین و طبیعت است. در حالی که بسیاری از محققان سنت عدالت زیست‌محیطی را به‌عنوان تجسم مفهومی جنبش عدالت اجتماعی در ایالات‌متحده که در پایان دهه ۱۹۸۰ ظهور کرد، برابر می‌دانند، بولارد، که «پدر عدالت زیست‌محیطی» نامیده می‌شود، اینها را به‌عنوان رشته‌های جداگانه با نتایج نهایی مشابه تصور می‌کند. در این راستا، رویکرد بولارد به شناسایی کمپین حفاظت از محیط زیست و جنبش عدالت زیست‌محیطی به‌عنوان روش‌های متمایز نشان می‌دهد که موضوع عدالت چه نام‌گذاری‌های متفاوتی را وارد مباحث می‌کند. محققان معمولاً پیشنهاد می‌کنند که عدالت زیست‌محیطی نتیجه ادغام جنبش حفاظت با جنبش عدالت اجتماعی با "پیوند اهداف زیست‌محیطی به هویت زیرگروهی از عدالت اجتماعی" است [۱۳]. جنبش حفاظت از اواخر قرن نوزدهم در ایالات‌متحده بر حفظ منابع طبیعی و حفاظت از طبیعت از نظر حفاظت از منافع نسل‌های آینده - نه تنها حداقل برای امنیت منابع، بلکه برای تنوع زیستی و یکپارچگی اکوسیستم - متمرکز بود. در حالی که عدالت برای طبیعت غالباً در پژوهش‌های اصلی با عنوان عدالت زیست‌محیطی وجود ندارد، بیشتر در مطالعات بوم‌شناسی ظاهر شده‌اند.

در نهضت حفاظت از محیط زیست، طبیعت موضوع عدالت است، در حالی که در جنبش عدالت محیطی، موضوع عدالت زیرمجموعه خاصی از جامعه است. جنبش زیست‌محیطی به طور معمول بر دل‌بستگی، لذت بردن و حفظ زمین و طبیعت متمرکز شده است، در حالی که جنبش عدالت زیست‌محیطی بر تجربیات و نتایج تعصب در محیط زیست و "چارچوب بندی مسائل زیست‌محیطی از نظر تبعیض علیه یک جمعیت خاص" متمرکز کرده است [۱۳]. هر دو جریان در قلب خود جاه‌طلبی برای تغییر مسیرها و نتایج زیربنای اقتصاد سیاسی تصمیم‌گیری زیست‌محیطی دارند. یکی از ویژگی‌های کلیدی عدالت زیست‌محیطی این است که از محیط زیست و حفاظت از محیط‌زیست شروع می‌شود، اما به جامعه خاتمه می‌یابد و در نتیجه منافعی برای طبیعت و انسانیت دارد. عدالت زیست‌محیطی تنها به زمینه‌های داخلی محدود نمی‌شود، بلکه با ارتباط بین جابجایی آسیب‌های زیست‌محیطی بر روی مرزهای بین‌المللی و ایجاد تفاوت‌های جغرافیایی، به حوزه بین‌المللی نیز گسترش می‌یابد [۱۴] و «سه نقطه اعتراض - سلامت انسان، حفاظت از محیط زیست و امنیت اقتصادی» را در هم می‌آمیزد [۱۵]. این ایده‌های کلیدی خود را از طریق شیوه‌هایی آشکار می‌کند که از افراد ضعیف در روابط قدرت نامتقارن و همچنین از کسانی که در شرایط اقتصادی آسیب‌هایی دارند حمایت می‌کند [۱۵]. اصول اصلی آن در اشکال عدالت مربوط به توزیع ظاهر می‌شود، رویه و اصلاح، همچنین شامل عدالت اجتماعی به‌عنوان یک هدف اساسی در نتایج آن است. انتقادات متعددی هم به برداشت‌های هنجاری از عدالت

بررسی‌های نظام‌مند (PRISMA)، دانش، مهارت‌ها و مداخلات لازم برای تحقق امنیت سیاست‌گذاری روستاهای ساحلی را شناسایی می‌کند و جنبه‌های اثربخشی آن را در ایت جوامع روشن می‌کند.

۱. پیشینه تحقیق

پیشینه مطالعات درباره نظریه عدالت که با عنوان عدالت محیط‌زیستی شناخته می‌شود، دارای سنت قوی در جنبش‌های عدالت اجتماعی مرتبط با نژاد و نابرابری محیطی در ایالات‌متحده است. با این حال، رشته‌های دیگری نیز وجود دارند که خود را به تفکر در مورد نظریه عدالت در عدالت محیطی می‌پیوندند. این شامل سنت‌های قبلی است که ریشه در آنچه امروزه به‌عنوان عدالت زیست‌محیطی شناخته می‌شود، که به‌طور مرتب با اخلاق زیست‌محیطی و حفاظت از منابع و همچنین یک سنت قدیمی اروپایی مرتبط با سلامت جمعیت شهری و اخیراً ملاحظات جهانی عدالت زیست‌محیطی در ارتباط است، می‌شود. به‌عنوان مثال، زمینه نگرانی‌های زیست‌محیطی بین‌المللی، مانند تغییرات آب‌وهوا یا آلودگی فرامرزی قابل توجه است که محیط در ادبیات جریان اصلی در عدالت زیست‌محیطی از اصطلاح محیط زیست به‌عنوان بیانی از محیط پیرامون خود بر استفاده از محیط زیست به‌عنوان بخشی از طبیعت استفاده می‌کند و در نتیجه، ادبیات جریان اصلی بر تجربه انسان از محیط خود بر عدالت برای خود طبیعت متمرکز است [۱۰].

در ادبیات عدالت محیطی، رایج است که بر اشکال توزیع، رویه، مجازات و به رسمیت شناختن در طیف وسیعی از عوامل، از جمله نژاد، طبقه، قومیت، جنسیت و ناتوانی و غیره تمرکز شود. ادبیات گنجانده شده در عدالت زیست‌محیطی گسترده است و در طیف وسیعی از رشته‌ها از جمله جامعه‌شناسی، حقوق، جغرافیا، بوم‌شناسی سیاسی و غیره قرار دارد. بخش عمده‌ای از این موارد شامل مطالعات تجربی و اساسی در مورد موضوعات مرتبط با قرار گرفتن در معرض و نزدیکی به شاخص‌های زیست‌محیطی منفی مانند آلودگی هوا، نشت‌های سمی، سر و صدا، مالکیت خانه، کیفیت آب و فقر انرژی یا دسترسی به امکانات محیطی مثبت مانند پارک‌ها، زیرساخت‌های سبز و سایر فضاهای سبز یا مزایای عدالت زیست‌محیطی از طریق عبارات مختلفی تعریف می‌شود که تلاش می‌کند پیچیدگی و دامنه آنچه در این سنت گنجانده شده است را به تصویر بکشد، که شامل نبرد علیه توزیع نادرست، نابرابری در فرآیند، تبعیض آشکار یا سیستماتیک و جبران آسیب به سلامت و رفاه است. کوئن پیشنهاد می‌کند که «عدالت زیست‌محیطی برای بسیاری از مردم معنای زیادی دارد». در حالی که دیگران بر این باورند که «عدالت زیست‌محیطی بر سر مسئله تعریف مبارزه کرده است» و «تقریباً می‌تواند به هر چیزی معنا داشته باشد» [۱۱]. تعریفی که معمولاً مورد قبول است توسط براینانت ارائه شده است که عدالت زیست‌محیطی را در چارچوب «هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، قوانین، مقررات، رفتارها، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای حمایت از جوامع پایدار تعریف می‌کند، جایی که مردم می‌توانند با اطمینان از اینکه محیط زیستشان ایمن است

در پس زمینه مطالعات بوده و به ندرت به عنوان موضوع محوری در مطالعات جغرافیایی، اجتماعی، بوم‌شناسی، فرهنگی، اقتصادی و مقوله سیاسی جدی گرفته شده است. برای مثال، بسیاری از میدان‌های نبرد اولیه جنبش عدالت محیط‌زیستی در ایالات متحده در جوامع روستایی مانند شهرستان وارن، کارولینای شمالی و شهر کتلمن، کالیفرنیا رخ داد. اما چارچوب غالب این موارد حول نابرابری های نژادی و طبقاتی بود، در حالی که روابط و تنش های فضایی بین جوامع شهری و روستایی به ندرت به اندازه کافی نظریه پردازی شده است. این در حالی که پژوهش حاضر به دنبال این است که روستاها را به مرکز مطالعات عدالت زیست‌محیطی برساند و این مقوله را با تمام پیچیدگی هایش درگیر کند.

با تحلیل ادبیات، می‌توان دریافت که کاربست رویکرد عدالت زیست‌محیطی در جوامع روستایی، جنبه‌های جدیدی از پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌هایی نظیر نابرابری‌های دسترسی به منابع طبیعی و تأثیرات تغییرات اقلیمی و غیره را که این جوامع با آن دست و پنجه نرم می‌کنند را گره‌گشا خواهد بود. به نحوی که با اجرای اصول عدالت زیست‌محیطی در اصول سیاست‌گذاری روستایی می‌توان به بهبود کیفیت زندگی و افزایش تاب‌آوری این جوامع دست یافت. همچنین، بررسی راهکارهای عملی برای ادغام عدالت زیست‌محیطی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی روستایی یکی از کنکاش‌های اجتناب‌ناپذیر این مطالعه است که نه تنها به توسعه پایدار جوامع روستایی، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش مشارکت جامعه در سیاست‌گذاری‌های محلی نیز می‌انجامد.

مواد و روش

پرزما^۱ رایج ترین پروتکل بررسی ادبیات برای پیشبرد نوآوری های تکنولوژیکی، ترکیب یافته ها و توسعه روش های جدید برای ارزیابی سوگیری است [۱۸]. فرآیند انجام مرور نظام مند شامل مراحل زیر است.

کلمات کلیدی و پایگاه داده

در این تحقیق، از پایگاه داده Scopus به عنوان منابع اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. دو گروه از کلیدواژه‌ها برای بازتاب ویژگی‌های متنوع برای شناسایی ادبیات فعلی که عدالت زیست‌محیطی و امنیت سیاست‌گذاری و توسعه جامعه روستایی را پوشش می‌دهد، شناسایی شد. با توجه به جدید بودن مفهوم امنیت سیاست‌گذاری، محققان این مفهوم را معادل توسعه روستایی قرار دادند و برای جست‌وجوی پیشرفته از دو گروه کلید واژه «Rural AND «Environmental AND justice» و «AND development» و با دستور «AND» جست‌وجو انجام شده است.

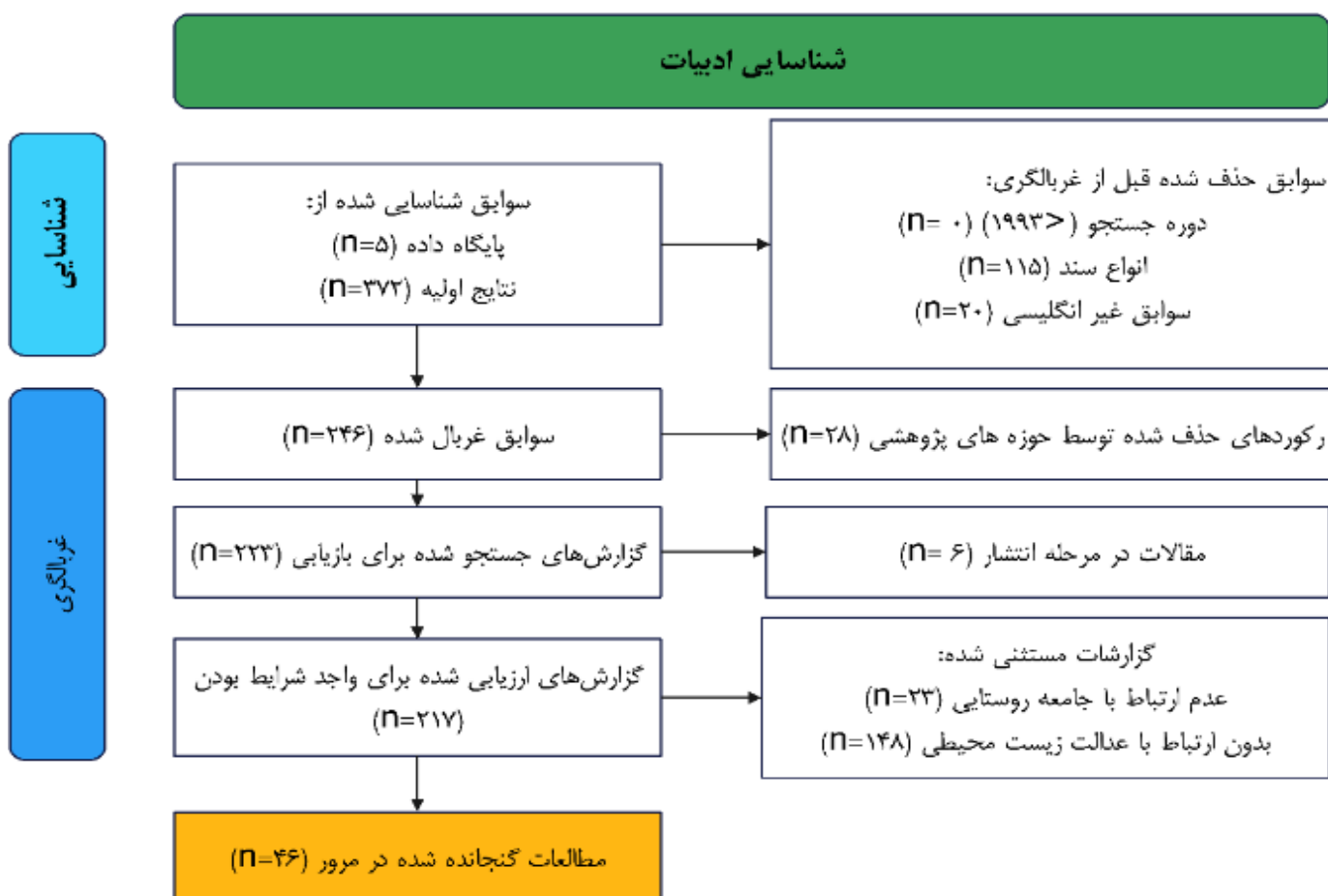
مدیریت و غربالگری ادبیات

زیست‌محیطی و هم به اهداف و روش های جنبش عدالت زیست‌محیطی، به طور گسترده تر، وجود دارد. یک انتقاد غالب این است که تلاش‌های عدالت محیطی بیش از حد بر علیت متمرکز است. به عنوان یک مشکل در تحقیقات اساسی و تمرکز بر توزیع نادرست مضرات و خطرات زیست‌محیطی، جایی که نیاز به شواهد در مورد علیت عمده "قطعاً اثبات کننده" نیت پلید" است، دستیابی به آن دشوار است [۱۶]. ویژگی دوم در این تمرکز بر علیت این است که همبستگی علیت نیست؛ هلفند و پیتون (۱۹۹۹: ۶۸) نشان دادند که حتی اگر بتوان ثابت کرد که صدمات زیست‌محیطی قابل توجهی در واقع وجود دارد، به این معنا نیست که آنها عمده بوده اند، بهتر است گفته شود که اثر رانت های ریکاردی بر آنها مؤثر بوده است [۱۷]. بی عدالتی به جای بی‌عدالتی زیست‌محیطی، یا همان طور که گاهی استنباط می‌شود، نژادپرستی زیست‌محیطی موضوعی مطرح شده در ایالات متحده است. در این خصوص به طور ضمنی بیان می‌شود که قرار گرفتن در معرض آسیب های زیست‌محیطی یک امر انتخابی است و فقرا مسئول قرار گرفتن خود در معرض خطرات زیست‌محیطی هستند نه قربانیان بی‌عدالتی از طریق ناتوانی. سومین انتقاد این است که عدالت زیست‌محیطی در عدالت توزیعی گیر کرده است. انتقاد دیگر این است که عدالت زیست‌محیطی به اندازه کافی نظری یا روش شناختی نیست و به طور خاص به دلیل «نظری ناکافی در مورد نژادپرستی و نحوه عمل نژادپرستی» مورد انتقاد قرار می‌گیرد [۱۱]. این امر به ویژه در روابط بین ساختار، قدرت و جغرافیا که روابط فضایی را شرط می‌کند ظاهر می‌شود. این امر به ویژه به سمت تحقیقاتی است که اغلب در تحقیقات نسل اول در مورد عدالت زیست‌محیطی در دهه ۱۹۸۰ شناخته می‌شود، اگرچه بدون شک تحقیقات مرزی مهمی بود، اما برای آشکار کردن نابرابری ها و درک فرآیندهایی که از طریق آنها انجام می‌شود ناکافی بود [۶]. در این راستا، پژوهش تاریخی جزء مهمی در چارچوب بندی توسعه بلندمدت نابرابری‌هایی است که در نتیجه بردارهای مختلف از جمله زمینه‌های سیاسی و دوره‌های زمانی پدیدار می‌شوند. نتیجه این است که این امر تأثیر خاصی در محدود کردن «ادعاهای عدالت اجتماعی و در نهایت بازتولید نظم اجتماعی ناعادلانه» دارد [۱۱]. علاوه بر این، برایانث از روش‌شناسی ناشی از تحقیقات علمی در مورد آسیب‌های زیست‌محیطی که در آن «سیاستمداران، سیاست‌گذاران یا مدیران شرکت‌ها در مورد ارزش‌های نهایی تصمیم می‌گیرند» انتقاد می‌کند و تحقیقات مشارکتی را که امروزه می‌توان آن را تولید مشترک نامید، به عنوان یک «تحقیق دموکراتیک‌تر» ترویج می‌کند. در این فرآیند، برایانث از تولید مارپیچی دانش دفاع می‌کند که در آن حقیقت از طریق یک چرخه تکراری «برنامه ریزی، عمل بر اساس برنامه، و سپس مشاهده و تأمل در نتایج» به دست می‌آید.

در مطالعات صورت گرفته، ابعاد روستایی مطالعات عدالت زیست‌محیطی از دیرباز مورد توجه قرار گرفته، اما عموماً این مفهوم

توسعه پایدار محیطی روستایی و درآمدزایی تعیین شدند. مشخص شد که برونداد علمی مطالعاتی که مستقیماً بر عدالت زیست‌محیطی در امنیت سیاست‌گذاری معیشت روستایی انجام شده، کم است. از این رو، اکثر مطالعات به طور غیرمستقیم به موضوع مذکور پرداخته‌اند. با تأثیر غیرمستقیم، تیم تحقیقاتی تصمیم گرفت که متون مربوط به عدالت زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری‌های معیشت روستایی ناظر به توسعه پایدار، گنجینه متون موجود را تقویت می‌کند و از یک بینش گسترده‌تر به بررسی موضوع می‌پردازد. در مرحله غربالگری بر اساس چکیده و عنوان متون، تعداد ۱۷۱ مقاله حذف شد. دلایل حذف این موارد شامل تمرکز بیش از حد بر ادبیات شهری ($n=23$) و عدم با عدالت زیست‌محیطی ($n=148$) بود. همان‌طور که در نمودار ۱ نشان داده شده است، ۴۶ مقاله در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که دارای دسترسی آزاد بودند

در مرحله اول شناسایی ادبیات تعداد ۳۷۲ نتیجه اولیه به دست آمد. از آنجایی که مفهوم عدالت زیست‌محیطی در ادبیات توسعه روستایی در حدود سال‌های ۱۹۸۴ آغاز شد، نتایج منتشر شده از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۴ استخراج شد. به منظور درک کامل عدالت زیست‌محیطی در امنیت سیاست‌گذاری معیشت روستایی، مطالعات قبل از سال ۱۹۹۳ در نظر گرفته نشده است. به طور کلی، مقالات پژوهشی مجلات، نتایج تحقیقات پیشرفته را گزارش می‌کنند. از این رو، این بررسی بر روی مقالات مجلات بررسی شده متمرکز است. از آنجایی که انگلیسی پرکاربردترین زبان آکادمیک است، انتشارات غیرانگلیسی حذف شدند. پس از اعمال این معیارها، ۲۴۶ مقاله را شناسایی کرد. متون واجد شرایط برای گنجاندن مرتبط با عدالت زیست‌محیطی در امنیت سیاست‌گذاری معیشت روستایی به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مانند امنیت اقتصاد روستایی، کیفیت محیط روستایی،



نمودار ۱- نمودار غربالگری ادبیات

روش تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها

محققان دریافته‌اند که پیشینه ادبیات آن‌ها را قادر می‌سازد تا به بررسی سیاست‌گذاری‌های فضایی معیشت روستایی برای بررسی دانش، مهارت‌ها و عملکرد امیدوارکننده‌ای که توسط سیاست‌گذاران به کار گرفته می‌شود، استفاده کنند و چشم‌انداز مداخلات آتی را بیان کنند. همان‌طور که در بالا ذکر شد، تحقیق، چارچوب‌بندی سیاست‌گذاری معیشت روستایی برگرفته از عدالت زیست‌محیطی سه حوزه اصلی را نشان می‌دهد که چارچوبی را برای تفسیر یافته‌های نهایی ایجاد می‌کنند. برای بررسی ۴۶ مقاله از رویکرد تحلیل موضوعی استفاده شد. استراتژی‌های کدگذاری و مضمون‌سازی برای کمک به توسعه زیرمجموعه‌های سه‌سطحی مرتبط با سه مقوله اصلی استفاده شد. محققان نشریات را بررسی کردند و به طور مشترک مضامین و زیرمضمون‌های ارائه شده در بخش یافته‌ها را در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق توسعه دادند. علاوه بر این، بر اساس نتایج تحلیل موضوعی، نویسندگان این نتایج را در سه مؤلفه عملکرد کاربست عدالت زیست‌محیطی بر روی امنیت سیاست‌گذاری اقتصاد روستایی را ترکیب کردند. بخش بحث، نتایج ترکیب دانش را ارائه می‌کند و جهت‌گیری‌های تحقیقاتی آینده را برای ادغام بهتر عدالت زیست‌محیطی و پایداری در سیاست‌گذاری جامعه روستایی شناسایی می‌کند.

محدودیت‌ها

بررسی داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها چهار جنبه زیر را از محدودیت نشان می‌دهد. ابتدا، این مرور ادبیات بر مقالات مجلات دانشگاهی متمرکز بود، درحالی‌که ادبیات خاکستری حذف شد. ادبیات خاکستری، مانند گزارش‌ها و خط‌مشی‌های سازمان‌های خدماتی مبتنی بر جامعه، شواهد و توصیه‌هایی را ارائه می‌دهد که بر روی تمرین متمرکز شده‌اند و به تحقیقات، عمل و سیاست‌گذاری پایدارتر معیشت روستایی بیشتر اطلاع‌رسانی می‌کنند. دوره جستجو عمدتاً بر روندهای علمی در سه دهه گذشته را پوشش می‌دهد. اگرچه مقالات مرور ادبیات منتشر شده قبل از سال ۱۹۹۳ در انجام شده باشد، اما این مقالات ممکن است مرتبط با عدالت زیست‌محیطی و پایداری در محیط‌های روستایی نپردازند.

اگرچه انگلیسی پرکاربردترین زبان آکادمیک در سراسر جهان است، انتشارات غیرانگلیسی نیز منابع ارزشمندی را ارائه می‌کنند که به طور بالقوه مستثنی شده‌اند. محققان به طور مشترک برای تعیین مقالات مجلات بررسی شده نهایی (تعداد = ۴۶) کار کردند. نکته قابل توجه،

بحث رویکردهای مختلف کشورهای جهان به سیاست‌گذاری معیشت روستایی است که محققان دریافته‌اند که کشورها بر اساس نظام حکمرانی خود مستعد تفاوت‌های زیادی در این حوزه نسبت به اتخاذ و عملکرد کشورهای دیگر هستند. تفاوت در نظام سیاست‌گذاری فضایی سایر نویسندگان را قادر می‌سازد تا موضوعات مشابه را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند و درک عدالت محیطی و پایداری را در عملکرد اجتماعی بین‌المللی در محیط‌های روستایی ارتقا دهند.

یافته‌ها

مطالعاتی که در این بررسی گنجانده شده است از سال ۱۹۹۳ به بعد باز می‌گردد. بسیاری از ادبیات در این بازه زمانی به دلیل ماهیت فزاینده تغییرات اقلیمی و بحران‌های مرتبط گسترش یافته است. یافته‌های این پژوهش، عمدتاً از کشورهای ایالت متحده آمریکا، چین، بریتانیا، استرالیا و برزیل گزارش شده است. این توزیع مبتنی بر کشور با این واقعیت همسو است که کشورهای توسعه یافته پیش‌گام در مطالعات سیاست‌گذاری معیشت روستایی مبتنی بر کاربست عدالت زیست‌محیطی هستند [۱۹]. شایان ذکر است که مطالعات گزارش شده در این پژوهش جوامع بین‌المللی مانند هند، آفریقای جنوبی، پاکستان و ترکیه را نیز در بر می‌گیرد. این نتایج علمی زمینه جهانی را برای پرداختن به سیاست‌گذاری معیشتی پایدار در جوامع روستایی در بین‌الملل را غنی می‌کند.

این ادبیات تأثیرات فزاینده گرمایش جهانی را بر زمین‌های کشاورزی، معیشت روستایی [۲۰] و توسعه جامعه روستایی [۲۱] نشان می‌دهد، به ابعاد اجتماعی مانند کشاورزی [۲۲]، اقتصاد [۲۱] و اکولوژی [۲۳] می‌پردازد. تلاش شده تا نتایجی که به طور مستقیم به سیاست‌گذاری معیشت روستایی که مستقیماً ناظر بر عدالت زیست‌محیطی هستند، گزارش کند؛ درحالی‌که مطالعات به طور غیرمستقیم از سیاست‌گذاری پایدار چند جانبه خبر می‌دهند. با تمرکز بر هدف اصلی پژوهش، این بخش یافته‌های مرتبط با سیاست‌گذاری معیشت روستایی ناظر به عدالت زیست‌محیطی، حمایت از فعالیت‌های روستایی و سیاست‌های مرتبطی را که بر جوامع روستایی تأثیر می‌گذارد، ارائه می‌کند.

همان‌طور که در ادامه در جدول ۱ - نشان داده خواهد شد، مضامین کلی در سه مضمون اصلی سیاست‌گذاری معیشتی روستایی (اقتصاد روستایی، دانش مبتنی بر جوامع روستایی و بوم‌شناسی کشاورزی) ارائه شده است. در زیر هر مضمون، زیرمضمون‌ها یا مضامین فرعی برای ترویج هر مضمون اصلی مشخص گردیده است. توضیحات بیشتر برای موضوعات فرعی توسط ادبیات مرتبط نشان داده شده و پشتیبانی می‌شود. بر اساس این ساختار، بخش زیر شواهد مرتبط را شرح می‌دهد: (۱) توضیح مضامین کلی، (۲) تشریح

کشاورزی شناسایی شد [۲۶]. به عنوان مثال، در داخل ایالات متحده، بحث های سیاست محور تا زمان طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵، صدای گروه های به حاشیه رانده شده را در نظر نمی گرفت [۲۷]. علی رغم این در سال های اخیر بحث هایی در سطح سیاست برای پاسخ به اهداف پایدار سازمان ملل متحد برای سال ۲۰۳۰ توسعه یافته است. تأثیرگذاری بر تغییرات آب و هوایی و سیاست های اجتماعی ممکن است برای سیاست های توسعه روستایی در سطح جهان امکان پذیر نباشد، باین حال، مسئولان امر می توانند از ملاحظاتی حمایت کنند. برای معیشت زنان آسیب دیده پس از یک فاجعه، حمایت از سلامت روان و نیازهای فوری (غذا، سرپناه) را بسیج کنند. همان طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، سه موضوع فرعی زیر برای حمایت بیشتر از این موضوع ایجاد شد: اقتصاد روستایی، دانش مبتنی بر جامعه روستایی، و بوم شناسی کشاورزی شناسایی گردید.

موضوعات فرعی، و (۳) شناسایی شکاف های مرتبط تحت هر موضوع مرتبط با تحقیقات فعلی سیاست گذاری معیشت روستایی است.

سیاست اجتماعی مرتبط با معیشت روستایی

یافته ها نشان می دهد که آسیب پذیری محیطی بر معیشت روستایی به ترتیب بر سیاست، حمایت و حکمرانی تأثیر می گذارد. همان طور که در ادبیات بحث شد، تجربه اقتصادی جوامع روستایی می تواند ناشی از بلایای محیطی همچون نابودی دام های کشاورزان، عملکرد محصول، شیلات و جنگل داری رنج ببرند (FAO 2015). بلایا مزارع را تحت تأثیر قرار می دهد و کمبود مواد غذایی ایجاد می کند [۲۴].

در سراسر ادبیات مشهود بود که جوامع روستایی عدم تعادل قدرت بین کشاورزان و ساختارهای بزرگ بوروکراتیک و دولتی را تشخیص می دهند [۲۵]. باین حال، مداخله از یک سطح بوروکراتیک برای ارائه کمک های بلایا و اقدامات پیشگیرانه پایدار به عنوان مورد نیاز در جوامع

جدول ۱- مضامین و زیرمضامین حاصل از مرور ادبیات

مضمون	زیرمضمون	شرح	نمونه ای از شواهد در ادبیات
سیاست گذاری: آسیب پذیری های اجتماعی و سازگاری جوامع روستایی	اقتصاد روستایی	امور مالی کارکنان بخش کشاورزی می تواند «عید یا قحطی» باشد و بلایا می تواند به طور قابل توجهی بر محصولات کشاورزی و معیشت تأثیر بگذارد.	مناطق روستایی مونتانا و روستایی واشنگتن برای درک تجربه آمریکایی ها از سلامت محیطی تحت تأثیر شرایط اقتصادی منحصر به فرد مورد مطالعه قرار گرفته اند [۲۸]. روابط بین مددکاری اجتماعی، کشاورزان، و جنبش غذای جایگزین در بریتیش کلمبیا، کانادا به هم مرتبط است [۲۹]. تفاوت های روستایی و شهری در چین برای درک آسیب پذیری های منحصر به فرد جوامع روستایی تحلیل می شوند [۳۰].
	دانش مبتنی بر جامعه روستایی	بسیاری از جوامع کشاورزی از شیوه های کشاورزی پایدار برای حفاظت از محیط زیست استقبال می کنند.	مطالعه ای از منطقه اوتاراکنند در شمال هند روش های متمایز سنتی کشاورزی که تنوع کشاورزی را ترویج می کند و از نظر فرهنگی و مذهبی همسو می شود [۳۱]. ادراک کشاورز از تغییر آب و هوا و استراتژی در شهرستان گری-بروس روستایی، انتاریو، کانادا تجزیه و تحلیل شده است [۳۲]. فرآیند حاکمیت محیطی در کامپچه، مکزیک، بر تصمیم گیری محلی تأکید می کند و روابط بین جوامع و دولت را تحلیل می کند [۳۳].
	بوم شناسی کشاورزی	استراتژی های مردمی و دانش تاریخی جوامع روستایی پاسخ های احتمالی به تغییرات آب و هوا را نشان می دهند.	با کشاورزان غرب میانه در آیووا، ایالات متحده برای تعیین رابطه بین اعتماد کشاورزان به اطلاعات گروه های محیطی در مورد تغییرات آب و هوا و خطر آب و هوا و اقدامات بعدی پایداری کشاورزی مصاحبه شده است [۳۴]. انرژی زیستی و پایداری کشاورزی در تبت چین توضیح داده شده است [۳۵]. تاب آوری کشاورزی ارگانیک در مناطق روستایی نیوزلند مورد مطالعه قرار گرفت [۳۶].

اقتصاد روستایی

خدمات و موقعیت های مالی نامطمئن مشخص می شود. داده های جهانی نشان می دهد که در کشورهای در حال توسعه کمبود مواد غذایی به طور تصاعدی در حال افزایش است که در مقایسه با نرخ در طول رکود بزرگ رشد چشمگیری داشته است. به همین ترتیب، خانواده های کم درآمد اغلب در رکود اقتصادی محلی گرفتار می شوند و همین امر باعث از دست دادن مزایای بیمه، دوره های طولانی بیکاری یا کم کاری، ضرورت اقتصادی چند شغل پاره وقت یا هر دو می شود [۲۸]. ص ۱۰۸. (این نامنی مالی زیربنای معیشت روستایی در

جوامع روستایی به دلیل اتکا به کشاورزی و منابع طبیعی، برای درآمدزایی در مواجهه با رویدادهای شدید آب و هوایی با چالش های زیاد مواجه خواهند شد [۳۷، ۳۸]. به عنوان مثال، خرده کشاورزان در سطح جهان به دلیل تأثیر سیاسی دستورات مربوط به تجارت منصفانه، ارگانیک، تعاونی های غذایی و سایر عناصر در مواجهه با تغییرات آب و هوا و مسائل زیست محیطی، زندگی «به طور فزاینده ای دشوار» را تجربه کرده اند [۲۹]. تجربه روستایی با ناامنی غذایی، منابع

گیری مشترک در بافت اجتماعی جامعه را با توسعه نظام‌های کشاورزی نوآورانه و افزایش خدمات اجتماعی نشان می‌دهد [۵۰]. در مثالی دیگر، در کامپیچی^۲، مکزیک، یک تیم تحقیقاتی راهبردهای مختلف حاکمیتی را در یک پروژه تحقیقاتی اقدام مشارکتی تجزیه و تحلیل کردند. مشخص شد که رویکردهای بالا به پایین به اندازه مشارکت با دارندگان دانش و اولویت‌بندی جامعه موفق نبودند [۳۳]. علاوه بر این، حمایت‌ها یا دستورات دولتی اغلب مقیاس کشاورزی زمین‌داران را در نظر نمی‌گیرد و کشاورزان و جوامع را تحت حمایت و منابع ناکافی قرار می‌دهند [۳۲].

اگرچه نمونه‌های مفصلی در مورد دانش گسترده و ارزشمند محلی در ادبیات وجود دارد، اما نمونه‌هایی از نیاز جوامع روستایی به حمایت‌های دولتی و عمومی در مورد تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر زمین کشاورزی و معیشت آنها نیز وجود دارد [۸]. با این حال، محوریت سیاست‌گذاری‌های معیشت روستایی در ادبیات متکی بر دانش جامعه روستایی در کشاورزی و شیوه‌های کشاورزی پایدار است. گاهی اوقات، بهترین ایده‌ها برای راه حل مشکلات محلی را می‌توان با پرسش از ساکنان در مورد نیازهای آنها یافت [۵۱]. این یک طناب ظریف برای رویه تصمیم‌سازی در کشورهایی با نظام برنامه‌ریزی از بالا به پایین است که به دنبال تغییر رویه هستند. برخی تجارب نشان داد که نظام برنامه‌ریزی به دنبال تعادل در رویکرد خود بوده و از دانش محلی برای درک و ادغام جست‌وجو می‌کنند و همچنین از موقعیت و دانش تخصصی برای آگاه کردن اعضای جامعه روستای از خطرات قریب الوقوع تغییرات اقلیمی و نیاز به شیوه‌های کشاورزی پایدار استفاده می‌کنند [۵۲]. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد نیاز به افزایش آموزش در جوامع روستایی و ترویج استراتژی‌های پایدار مردمی وجود دارد. نظام‌های سیاست‌گذاری روستایی می‌توانند از کار مبتنی بر جامعه خود برای انتشار اطلاعات مربوط به تغییرات اقلیمی و حمایت از برنامه‌های سازگار توسعه محلی روستاها حرکت کنند.

بوم‌شناسی کشاورزی

بوم‌شناسی کشاورزی از هم‌افزایی بین سه نظام متمایز «محیط زیست»، «تولید غذا» و «زمینه اجتماعی-اقتصادی» حمایت می‌کند. جامعه کشاورزی به نسبت سایر اصناف بیشتر تحت تأثیر تغییرات اقلیمی در مقیاس جهانی و بلایای مرتبط با آن هستند؛ همین امر، آسیب‌پذیری‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی قبلی را تشدید می‌کند [۶]. تغییرات اقلیمی به طور مستقیم میزان بارندگی، افزایش دما و تغییرات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و متعاقباً تعداد بلایا را افزایش می‌دهد. این تغییرات بر بخش کشاورزی از جمله دسترسی به آب، فرسایش خاک و بهره‌وری محصول تأثیر می‌گذارد [۳۴].

این ادبیات نمونه‌های بین‌المللی از جوامع روستایی را ارائه می‌دهد که جوامع روستایی از میان راهبردهای موجود به سمت کشاورزی پایدار و شیوه‌های کشاورزی مردمی روی آورده‌اند که همزمان از فناوری‌های هوشمند نوین بهره می‌برند [۵۳]. مثال‌ها شامل استفاده

بسیاری از جوامع در سراسر جهان قابل مشاهده است و شکاف اقتصادی بین کشاورزان ثروتمند و کشاورزان کم درآمد همچنان در حال افزایش است.

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش نرخ شهرنشینی، افراد در محیط‌های روستایی اغلب درآمد کمتری کسب می‌کنند [۳۹]. [۴۰]. به‌عنوان مثال، درآمد کلی شهری در چین سه برابر بیشتر از درآمدهای روستایی است [۳۰]. در نتیجه، رویکرد به کشاورزی، زندگی و اقتصاد تحت تأثیر کمبودی است که می‌توان آن را در گوشه و کنار پیدا کرد [۲۸]. تجربه ایران نشان داده است که تغییرات اقلیمی و رویدادهای شدید آب‌وهوایی، اقتصاد روستایی را بیش از پیش به خطر انداخته است. به‌عنوان مثال، هنگامی که خشکسالی به یک جامعه ضربه می‌زند، معیشت روستایی را مختل می‌کند، بر ناامنی غذایی تأثیر می‌گذارد، درآمد خانوار را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود بسیاری از افراد به دنبال شغل ثانویه یا جایگزین باشند [۴۱، ۴۲]. در روایت «ضیافت یا قحطی» برای این افراد بیشتر قحطی است تا ضیافت [۴۳]. با توجه به فشار برای تحویل پایدار غذا، تنوع محصول، تأثیر نظام‌های اقلیمی و ناتوانی در کنترل این پدیده، به‌ویژه زمانی که اقلیم کلان کره زمین در حال گرم شدن است این پدیده افزایش پیدا کرده است [۲۸، ۴۴].

دانش و حکمرانی مبتنی بر جامعه روستایی

یک یافته رایج در بسیاری از مطالعات، اهمیت دانش و استراتژی‌های محلی و ترجیح جوامع روستایی برای خودسازماندهی در مواجهه با تغییرات اقلیمی، بلایای مرتبط با آب‌وهوا و شیوه‌های پایداری نشان می‌دهد [۲۸، ۴۵]. ادبیات نشان می‌دهد که برخی از جوامع روستایی با ایجاد راه حل‌های مردمی به شرایط بد زندگی، دفع نامناسب زباله و رواناب کشاورزی پاسخ می‌دهند و احساس می‌کنند که مداخلات دولتی ممکن است مشکلات آنها را در اولویت قرار ندهد. روستایی و کشاورز، شیوه‌ها و درک کاملی از زمین‌های محلی خود برای سال‌ها آزمایش شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نگی و میخوری (۲۰۱۵: ۵۰۲) بیان می‌کنند: «نیاز به حفظ، حفاظت و ارتقای دانش سنتی برای تأمین خود، رونق اقتصادی دارندگان دانش و مزیت تجاری رقابتی اجتناب‌ناپذیر شده است». در این جامعه، محصولات و گیاهان اهمیت دارویی یا فرهنگی خاصی دارند و کشاورزان محلی روش‌های خاصی را برای حفظ و ارتقای سلامت خاک با استفاده از روش‌های منحصر به فرد تناوب زراعی دارند [۳۱]. نمونه دیگری از دانش محلی، کاهش تشریفات محلی در مرکز برزیل است که به تلاش‌های حفاظتی کمک می‌کند [۴۶]. هر دو مثال، شیوه‌های کشاورزی محلی که به طور طبیعی از قدیم جریان داشته‌اند نشان می‌دهند که در حال حاضر پایداری را افزایش می‌دهند.

برخی جوامع بیان کردند که مداخله دولتی غیرقابل اعتماد است [۴۷]، ناکارآمد [۴۸]، یا وجود ندارد [۴۹]. نمونه‌ای از یک مدل حکمرانی از پایین به بالا در جوامع روستایی در ایتالیا ارزش تصمیم

² - Campeche

¹ - Negi & Maikhuri

نگرانی‌های زیست‌محیطی اختصاص دهند. به‌نحوی که در سیاست‌های خود عدالت زیست‌محیطی و پایداری را در توسعه جامعه روستایی به طور یک کل یکپارچه در نظر بگیرند. شکاف‌های شناسایی شده در هر موضوع به مداخلات نظام‌های حکمرانی با رویکردهای نوین اشاره دارد.

درک زمینه‌ها جهت انواع مداخلات در جوامع روستایی

برنامه‌های توسعه‌ای عمدتاً باید به‌عنوان یک سند بالادستی بر عدالت و شمولیت تمرکز نمایند. این امر، به طور طبیعی به ضرورت مداخلات چندجانبه نهادهای مرتبط با توسعه روستایی از طریق پرداختن به بی‌عدالتی زیست‌محیطی گسترش می‌یابد [۴۹]. نابرابری قرار گرفتن در معرض سموم، تأثیر فزاینده بلایا بر گروه‌های به حاشیه رانده شده، و نیاز به شیوه‌های پایدار، همگی نیازمند مداخلات نهادهای مداخله‌گر هستند. تأکید بیش‌ازحد به بخش خصوصی در کشورهایی که نظام تصمیم‌گیری متمرکز است، کارآمدی آن‌ها را رفع تبعیض‌های معیشت روستایی را آسیب‌پذیر می‌سازد [۴۹]. در نتیجه، حمایت‌های چندجانبه دست‌اندرکاران توسعه روستایی (دولتی، عمومی و خصوصی) با پشتیبانی از نیازهای ضروری و بلندمدت جوامع روستایی و توسعه‌گران مانع از ادامه ساختارهایی سلطه‌گر می‌شود، بهترین گزینه هستند.

بسیاری از سموم بر معیشت و سلامت کارگران مزرعه تأثیر منفی می‌گذارند، بر روی زیست‌بوم منطقه تأثیر می‌گذارند و به آن آسیب می‌رساند [۸]. این شواهد فرصت‌های جدیدی را برای نظام‌های سیاست‌گذاری ایجاد می‌کند تا به تعامل بین بازیگران توسعه روستایی و نظام‌های زیست‌محیطی بپردازند و به پایداری انسان-محیط کمک کنند. علاوه بر این، بسیاری از افراد در محیط‌های روستایی در مورد تأثیر تغییرات اقلیمی بر معیشت خود و بلایای ناشی از این تغییرات آگاه و نگران هستند [۳۲]. تأثیرات دانش، به طور مؤثر به عمل تبدیل نشده است [۵۹]. این نشان دهنده خلأ یک نظام دانش - عمل است که عمدتاً ریشه در بی‌توجهی و عدم سرمایه‌گذاری دولتی دارد [۳۲]. اتخاذ رویکردهای برنامه‌ریزی مشارکتی به اعتلای توسعه اجتماع محور مناطق روستایی از طریق ترجمه و بسیج دانش محلی صورت می‌پذیرد. در حقیقت، سیاست‌گذاری‌های روستایی با اتخاذ راهبردهای سازمان‌دهی جامعه منحصر به فرد به دنبال پرورش تسهیلگران روستایی باشند که به‌عنوان بازیگران میانجی‌گر بین جامعه روستایی و نهادهای توسعه عمل نمود و به شنیده شدن صداهای محلی حمایت کنند و گروه‌ها را با هم جمع کنند تا در شیوه‌های پایداری مشارکت کنند. علاوه بر این، این تسهیلگران به نوعی نقش جدیدی برای برنامه‌ریزان سنتی است که از تجربه و دانش مشترک افراد روستایی در مورد بلایا، قرار گرفتن در معرض سموم و بهداشت شغلی بهره می‌برند. تحقیقات آینده می‌تواند ظرفیت مددکاران اجتماعی را تقویت کند تا به‌عنوان متحدان قدرتمندتر افرادی که به دنبال حمایت و مراقبت اجتماعی هستند و در کاهش انعطاف‌پذیری

از انرژی زیستی برای خانوارهای روستایی در تبت [۳۵]، کشاورزی اکولوژیکی لبنیات در نیوزیلند [۳۶] و روش‌های برش و مالچ در بلیز [۵۴] و کشاورزی عمودی در محیط‌های حاشیه شهری است [۵۵]. علی‌رغم این مثال‌ها، شکاف‌هایی در ادبیات مرتبط با سیاست‌گذاری وجود دارد. ادبیات تفاوت قابل توجهی در اطلاعات مربوط به سیاست‌گذاری معیشت کشاورزان روستایی را برجسته می‌کند. شکاف قابل توجهی در التزام سیاست‌گذاری‌ها به در نظر گرفتن صدای روستائیان در سازماندهی جامعه، تصمیم‌گیری و تغییر سیاست‌های فضایی را نشان می‌دهد [۵۱]. دیگر محدودیت‌های قابل توجه حوزه فعلی ادبیات شامل نیاز به آمادگی کامل تر و برنامه‌های مدیریت بحران برای کاهش تأثیر بلایای مربوط به تغییرات اقلیمی بر بخش کشاورزی و جوامع کشاورزی است [۲۷]. به‌عنوان یک نتیجه از تنوع اقتصاد کشاورزی، سیاست‌های بیشتری برای ایجاد فرصت‌های درآمدزایی در خارج از محیط‌های روستایی برای تنوع بخشیدن به اقتصادها و تقویت خانواده‌ها در برابر فقر مورد نیاز است [۲۶].

درک شکاف‌های سیاست‌گذاری

علیرغم اینکه مناطق روستایی دارای رویکردهای کشاورزی پایدار از نظر زیست‌محیطی به خوبی تثبیت شده‌اند، اعضای جامعه روستایی ممکن است باور نداشته باشند که اطلاعات دولت در مورد تغییرات آب‌وهوایی دقیق است یا ممکن است خطر ایجاد تغییرات آب‌وهوایی را دست کم بگیرند [۳۴]. شکاف شناسایی شده در ترکیب نیازهای جامعه و تعاملات دولت به بی‌اعتمادی بین جوامع روستایی و سیاست‌های دولتی دامن می‌زند [۴۹]. این اختلال بین دانش و درک افراد می‌تواند مانع از عمل و واکنش در برابر تغییرات اقلیمی و نگرانی‌های زیست‌محیطی شده است. میزان خسارت و زیان اقتصادی که کشاورزان ممکن است در ارتباط با بلایای مختلف تجربه کنند در سرتاسر جهان کمتر گزارش شده است و باعث ایجاد شکاف عمیق تری بین نیاز و حمایت می‌شود.

همچنین، سیاست‌های اجتماعی مرتبط با تغییرات اقلیمی باید در نظر بگیرند که چگونه اقتصاد بخش کشاورزی تحت تأثیر تغییرات اقلیمی و بلایای ناشی از آن قرار می‌گیرد [۵۶، ۵۷]. این رویدادهای شدید که بر امنیت غذایی و تغذیه ساکنان روستایی تأثیر می‌گذارد، متعاقباً معیشت روستایی و سلامت زیستی ساکنان روستایی را تخریب می‌کند [۱۲، ۵۸]. آریاکل و همکارانش (۲۰۱۵) استدلال می‌کنند که نظام‌های تصمیم‌گیری مرتبط با روستایی می‌توانند مسئولیت‌های مدنی بیشتری جهت تقویت معیشت روستائیان از جمله کشاورزان در استفاده از داده‌های مربوط به تغییرات اقلیمی استفاده کنند [۳۴].

بحث

یافته‌های بیان شده، راهبردهایی مبتنی بر شواهد را برای تصمیم‌گیران حوزه روستایی فراهم می‌کند تا رویکردهای خود را نسبت به معیشت جوامع روستایی بهبود بخشند و سهم ویژه‌ای برای

روستایی داشته باشد، باید جنبه‌های غیرانسانی مراقبت و حفاظت از محیط زیست را به همان اندازه جدی بگیرد که برابری اجتماعی را ترویج می‌کند. با تمرکز صرف بر جامعه و عدالت اجتماعی، رابطه ابزاری انسان با طبیعت به طور مستمر منجر به این خواهد شد که جنبش عدالت زیست‌محیطی به جای علل بی‌عدالتی زیست‌محیطی، علل و نشانه‌های آن را درمان کند. تمرکز بر جنبه‌های رویه‌ای مهم است؛ چرا که شنیدن صداها را بهبود می‌بخشد و قدرت را در تصمیم‌گیری در مورد توزیع‌های (نادرست) تخریب، زوال سلامت فردی و تأثیرات منفی بر رفاه جامعه را برابر می‌کند. در این راستا، عدالت زیست‌محیطی باید از نقش خود به‌عنوان یک روش عدالت اجتماعی فراتر رفته و از طریق ادغام انسان و طبیعت و گنجاندن موضوعات غیر انسانی عدالت، به روشی برای عدالت نظام‌وار تبدیل شود [۶۵].

دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری روستایی به شدت تحت تأثیر سیاست اجتماعی قرار دارند و به نوبه خود، تصمیمات سیاست اجتماعی را اطلاع‌رسانی می‌کند. با این حال، ادبیات تلاش نموده تا سیاست‌های معیشت روستایی باید با تحولات جامعه روستایی سازگار شود. به نحوی که در سال‌های اخیر، این سازگاری‌ها عدالت زیست‌محیطی و پایداری را به ویژه با برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ ادغام کرده‌اند. سیاست کاهش بلایا و استراتژی‌های سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی را در پاسخ به تغییرات آب‌وهوایی هدف قرار می‌دهد و باید آسیب‌پذیری‌های معیشتی جمعیت‌های آسیب‌دیده را برای القای تاب‌آوری در جوامع روستایی، به‌ویژه متغیرهای جمعیتی این جمعیت‌ها در نظر بگیرد [۶۶]. عمل بر اساس سازگاری اجتماعی، نقشی حیاتی در ترویج، حمایت و اجرای استراتژی‌های پایدار و سازگار در توسعه اجتماعی دارد و در نهایت نیازهای مردم را با نگرانی‌های محیطی متعادل می‌کند [۴۹]. به همین ترتیب، در حوزه عمل، نیاز بیشتر به نوآوری‌های در اقدامات مبتنی بر شواهد و مشارکت در حمایت از توسعه پایدار در عمل مورد نیاز است [۶۷]. خط مشی این سیاست‌ها نیاز دارد تا درک بهتری از تأثیرات محیط طبیعی و ارتباطات متقابل آن بر معیشت جامعه روستایی را در نظر بگیرد [۶۸]. گرچه مطالعات اخیر سازمان ملل مبتنی بر عدم قطعیت‌ها ناشی از بحران‌های زیست‌محیطی مطرح شده است، اما جریان غالب نیازمند مطالعات و اقدامات بیشتری در این زمینه است.

صدای ساکنان روستایی اغلب از بحث‌های سیاستی در مورد کشاورزی و محیط زیست حذف می‌شود [۶۹]. نیاز به سیاستی برای حمایت از این افراد وجود دارد، زیرا دقیقاً آن‌ها زمانی مجبور به ترک زمین و معیشت خود می‌شوند که فاقد قدرت هستند [۷۰] و به آسیب‌پذیرتر حالت ممکن خود رسیده‌اند [۷۱]. رویکردهای توسعه بیانگر حوزه‌های جدید سیاست‌گذاری روستایی هستند که شامل «از پاسخگویی و تعهد مسئولان در برابر حقوق روستائیان دفاع می‌کند. به نحوی که در رویکرد جدید، دولت‌ها را در قبال سیاست‌های عمومی و اجرای آنها مسئول است [۷۲]. ضرورت اتخاذ یک رویکرد

در برابر بلایا و آمادگی برای جوامع چند سطحی شرکت کنند، عمل کنند.

تسهیل ظرفیت‌های میانجی‌گر

در مطالعات، جوامع کشاورز، عمدتاً با تغییرات اقلیمی و فاجعه مرتبط هستند [۶۰]. فقدان ادبیات مشارکت سیاست‌گذاری روستایی در راستای عدالت زیست‌محیطی نشان می‌دهد که مطالعات کمی در رابطه با هدف کمک به جامعه کشاورز روستایی در دستیابی به سازگاری با تغییرات اقلیمی و کاهش خطر بلایا از این منظر صورت پذیرفته است. جایگاه عملکرد نهادهای چندجانبه در جوامع روستایی در کشورهایی با نظام برنامه‌ریزی متمرکز به خوبی در شبکه تثبیت نشده است [۶۱]. مشارکت نهادهای چندجانبه می‌توانند از مشارکت مبتنی بر جامعه، مشارکت در آموزش جامعه و روابط با اعضای جامعه برای ترویج راه حل‌های پایدار، از جمله مداخلات کشاورزی [۸] و کمک به کاهش بلایا [۶۲] استفاده کنند. همچنین، نهادهای مدنی، می‌توانند به‌عنوان نمایندگان و وکیل مدافع گروه‌های آسیب‌پذیر روستایی از قبیل کشاورزان و زنان و کودکان نقش ایفاء کنند و با بسیج آنان به یک با اقدام سازگار زیست‌محیطی دست یابند. چرا که تنها از این طریق می‌توان به یک مدل «محلی» دست یافت [۸].

به بیانی دقیق‌تر، نهادهای دولتی با تربیت تسهیلگران روستایی به اجماع در مورد اتخاذ راهکارهایی برای مقابله با تأثیر بلایای مرتبط با تغییرات اقلیمی در محیط‌های روستایی برسند [۳، ۲۹]. چنین اقداماتی عمدتاً ریشه در آموزش افراد در مورد انتخاب‌های «اخلاقی» دارد. درولت و سامپسون (۲۰۱۷) تأکید می‌کنند که، تسهیلگران رویکرد جامعه محور را برای مشارکت با اعضای جامعه برای حمایت و تغییر ساختارهای ظالمانه، توسعه مشارکت بین آنها بپذیرند. ذینفعان، مقامات دولتی و ساکنان، راه حل‌های پایدار را پیشنهاد می‌کنند و اعضای جامعه را بسیج می‌کنند. مددکاران اجتماعی می‌توانند به نحوه نمایش پیام‌های تغییرات آب‌وهوایی توجه کنند [۳۳، ۶۳]. اتخاذ مداخلات نوآورانه مددکاری اجتماعی می‌تواند برای استفاده از نقش‌های مبتنی بر توانمندسازی محلی ایجاد شود تا اطمینان حاصل شود که شیوه‌های گذار روستائیان از بحران‌های محیطی از جمله تغییرات اقلیمی به صورتی امن و پایدار صورت می‌پذیرد.

امنیت سیاست‌گذاری روستایی

ملاحظات متعددی برای امنیت سیاست‌گذاری معیشت روستایی ناظر بر عدالت زیست‌محیطی وجود دارد. اول اینکه تحلیل‌های مربوط به عدالت زیست‌محیطی محققین و فعالان باید از تحلیل‌های محدود آسیب‌های زیست‌محیطی اجتناب کنند و از توزیع آسیب‌ها و امکانات زیست‌محیطی، نابرابری در تصمیم‌گیری، شناخت ناکافی نقش ساختارهای قدرت نابرابر و سوگیری‌ها و فقدان تدابیری برای جبران یا تخصیص مسئولیت آسیب مورد بررسی قرار گیرد و همچنین باید شامل «رفتار منصفانه با مردم در رابطه با اجرا و اعمال سیاست‌های زیست‌محیطی» باشد [۶۴]. اگر سیاست‌گذاران می‌خواهد با کاربری عدالت زیست‌محیطی، سهم قابل توجهی در کیفیت زندگی جوامع

ذینفعان، همکاری بیشتری با جوامع محلی روستایی داشته باشند تا نیازهای منحصر به فرد این مناطق را شناسایی کنند و استراتژی های اجتماع محور را برای سازگاری با تغییرات اقلیمی و کاهش خطر بلایا توسعه دهند و در نهایت به هدف ایجاد روستایی تاب آور، سالم و پایدار دست یابند.

مشارکت نویسندگان

انجام اصلاحات، راهنمایی و پیشنهاد عنوان مقاله بر عهده نویسنده نخست و نگارش، بازخوانی، اصلاح و همچنین کلیه مکاتبات بر عهده نویسنده دوم مقاله بود. تحلیل یافته‌ها نیز به صورت همکاری دو سوبه انجام گرفت. به طور کلی میزان مشارکت به صورت چهل درصد بر عهده نویسنده نخست و شصت درصد بر عهده نویسنده دوم و مسئول مکاتبات می باشد.

تشکر و قدردانی (اختیاری)

شایسته است مراتب قدردانی خود را از سردبیر و مدیر داخلی محترم نشریه اقیانوس شناسی جناب آقای دکتر شیخ بهایی اعلام داریم.

تعارض منافع

«هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.»

منابع

- [1] Tavakoli M, Mokhtari Karchegani A. Analysis of factors affecting the structure of rural settlements in Makran coastal region in the face of climate change. *Journal of Oceanography*. 2023;13(52):131-44.
- [2] Tavakoli M, Mokhtari Karchegani A. Analysis of the efficiency of crisis management of local communities in the face of floods caused by climate change: five selected villages of Chabahar County, Iran. *International Journal Of Coastal, Offshore And Environmental Engineering (ijcoe)*. 2024:-. doi: 10.22034/ijcoe.2024.455803.1077.
- [3] Mokhtari Karchegani A, God bless you A, Morteza. The pattern of livelihood adaptation of rural communities in Iran in the face of climate change. *Geography and environmental hazards*. 2023:-. doi: 10.22067/geoh.2023.83326.1392.
- [4] Dominelli L. Green social work: From environmental crises to environmental justice. *Polity*; 2012.
- [5] Philip D, Reisch M. Rethinking social work's interpretation of 'environmental justice': From local

مشمول برای برقراری ارتباط و درگیر کردن نیازهای ساکنان وجود دارد [۶۷]. از این رو، دست‌اندرکاران می‌توانند یک چارچوب زیست‌محیطی اجتماعی را بپذیرند که اهمیت به رسمیت شناختن جهان بینی بومی از ارتباط متقابل مردم و زمین را تصدیق کند و سلامت و رفاه کلی را درک کند [۷۳].

نتیجه‌گیری و چشم‌اندازهای آینده

در این پژوهش تلاش شد تا جایگاه عدالت زیست‌محیطی در سیاست‌گذاری معیشت روستایی مشخص گردد. نتایج نشان داد که اگرچه مبحث عدالت زیست‌محیطی در سال‌های اخیر مورد اقبال متفکران در مجامع بین‌المللی قرار گرفته است، اما همچنان در حوزه سیاست‌گذاری معیشتی مناطق روستایی، نیاز به مطالعات گسترده‌تری دارد. مضامین مستخرج از ادبیات، جنبه‌های متنوعی از سیاست‌گذاری روستایی را نشان می‌دهد که حکایت از ظرفیت بالای این رویکرد در شرایط کنونی است. همچنین، مشخص گردید که تجربه منحصر به فرد مناطق روستایی علی‌رغم اینکه در مقیاس سیاره‌ای مشترک هستند، اما با توجه به نظام سیاست‌گذاری کشورهای می‌تواند کاربست‌های متفاوتی به کار گیرد. به نحوی که در فرایند تحقیق نشان داده شد که زمینه‌های سیاست‌گذاری برای انطباق بیشتر در مورد اقتصاد، بسیج دانش محلی و بوم‌شناسی کشاورزی نیاز به تحولات اساسی دارند. اگرچه در ادبیات مرتبط با معیشت روستایی، جوامع کشاورزی، تغییرات آب‌وهوایی، و کار اجتماعی خلأهایی وجود دارد، اما، دستیابی به یک رویه آینده‌نگر، می‌تواند ابزاری مفید در دست دست‌اندرکاران تصمیم‌سازی توسعه روستایی باشد؛ تا اقدامات زیست‌محیطی مبتنی بر جامعه را در مشارکت با ساکنان روستایی و کشاورزان صورت پذیرد.

اگرچه تمرکز بر حوزه سیاست‌گذاری یکی از جنبه‌های متعدد مقابله با تغییرات اقلیمی و بلایای مربوط به آن است؛ اما، نتایج نشان داد که سهم آن به عنوان پیشران توسعه این مناطق در حال افزایش است. به نحوی که در کشورهای در حال توسعه، نهادهای متولی می‌تواند به طور فعال عدالت زیست‌محیطی و پایداری را در عمل برای حفاظت از محیط زیست، پیشبرد عدالت اجتماعی، و ارتقای سلامت محیطی بهبود بخشد. با این حال، برای بهبود پاسخگویی این نهادها به نیازهای منحصر به فرد ساکنان روستایی مخصوصاً در زمینه معیشتی، نیاز به تعریف اقدامات مشارکتی با جوامع روستایی برای توسعه راهبردهای کاهش بلایا و تقویت صدای محلی، است. برای تضمین موفقیت مداخلات آتی نهادهای سیاست‌گذاری روستایی سه جنبه زیر به عنوان موانع بالقوه نشان داده شد که دست‌اندرکاران را تشویق می‌کند تا در این زمینه‌ها مشارکت کنند: (۱) بررسی مداخلات سیاسی در جهت ایجاد تاب آوری جامعه روستایی همسو با کاهش تأثیر تغییرات آب‌وهوایی، بلایا و تخریب محیط زیست، (۲) بررسی چشم انداز فعلی رویکرد توسعه روستایی، جهت آموزش و تسهیل ظرفیت‌های میانجیگر برای کار با ساکنان روستایی در پاسخ به بحران‌های زیست‌محیطی، و (۳) افزایش تغییرات سیاستی مبتنی بر جامعه روستایی برای محافظت از کسانی که بیشتر به دلیل تغییرات اقلیمی به حاشیه رانده شده‌اند. در نهایت باید گفت که نیاز است تا محققان دانشگاهی، دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران و سایر

- [17] . Helfand GE, Peyton LJ. A conceptual model of environmental justice. *Social science quarterly*. 1999;68-83.
- [18] . Page MJ, McKenzie JE, Bossuyt PM, Boutron I, Hoffmann TC, Mulrow CD, et al. The PRISMA 2020 statement: an updated guideline for reporting systematic reviews. *bmj*. 2021;372.
- [19] . Bright CL. *Social work in the age of a global pandemic*. Oxford University Press; 2020. p. 83-6.
- [20] . Tinning G. The role of agriculture in recovery following natural disasters: A focus on post-tsunami recovery in Aceh, Indonesia. *Asian Journal of Agriculture and Development*. 2011;8(1):19-38.
- [21] 1. Tudor MM. Contribution of the Romanian agriculture to the economic resilience-evidence during the recent crisis. 2016.
- [22] 22. Singh V, Rastogi A. Animals, environment and sustainability: Global warming reducing and inducing attributes of the farm animals. *The Indian Journal of Animal Sciences*. 2021;91(10):807-13.
- [23] 23. Crawford F, Agustine SS, Earle L, Kuyini-Abubakar AB, Luxford Y, Babacan H. Environmental sustainability and social work: A rural Australian evaluation of incorporating eco-social work in field education. *Social Work Education*. 2015;34(5):586-99.
- [24] 24. Friel S, Berry H, Dinh H, O'Brien L, Walls HL. The impact of drought on the association between food security and mental health in a nationally representative Australian sample. *BMC public health*. 2014;14:1-11.
- [25] 25. Mason R. Confronting uncertainty: Lessons from rural social work. *Australian Social Work*. 2011;64(3):377-94.
- [26] 26. Komi K, Amisigo BA, Dieckrüger B. Integrated flood risk assessment of rural communities in the Oti River Basin, West Africa. *Hydrology*. 2016;3(4):42.
- [27] . Montz BE, Allen TR, Monitz GI. Systemic trends in disaster vulnerability: Migrant and seasonal farm workers in North Carolina. *Risk, Hazards & Crisis in Public Policy*. 2011;2(1):1-17.
- to global. *Environmental justice*. Routledge; 2018. p. 17-29.
- [6] Walker HM, Culham A, Fletcher AJ, Reed MG. Social dimensions of climate hazards in rural communities of the global North: An intersectionality framework. *Journal of Rural Studies*. 2019;72:1-10.
- [7] Haluza-Delay R. Environmental justice in Canada. *Local Environment*. 2007;12(6):557-64.
- [8] Pfeifer GM. Pesticides, migrant farm workers, and corporate agriculture: How social work can promote environmental justice. *Journal of Progressive Human Services*. 2016;27(3):175-90.
- [9] Mokhtari Karchgani A, Tavakoli M, Barzo G, Yar Ahmadi K. Prospects for smart villages and sustainable territorial development: a bibliometric analysis and systematic review. 2024. doi: 10.22034/JPD.2024.2023834.1051.
- [10] Villa C, Ahmad N, Bratspies R, Lin R, Rechtschaffen C, Gauna E, et al. *Environmental Justice: Law, Policy & Regulation*. Carolina Academic Press; 2020.
- [11] Sze J, London JK. Environmental justice at the crossroads. *Sociology Compass*. 2008;2(4):1331-54.
- [12] Alam GM. Livelihood cycle and vulnerability of rural households to climate change and hazards in Bangladesh. *Environmental management*. 2017;59(5):777-91.
- [13] . Dawson JI. The two faces of environmental justice: Lessons from the eco-nationalist phenomenon. *Environmental Politics*. 2000;9(2):22-60.
- [14] . Harvey D. *Justice, nature and the geography of difference*. 1996.
- [15] . Jessup B. Trajectories of environmental justice-from histories to futures and the Victorian environmental justice agenda. *Victoria University Law and Justice Journal*. 2017;7(1):48-65.
- [16] . Agyeman J. Constructing environmental (in) justice: Transatlantic tales. *Environmental politics*. 2002;11(3):31-53.

- [36] . Cradock-Henry NA. Linking the social, economic, and agroecological: a resilience framework for dairy farming. *Ecology & Society*. 2021;26(1).
- [37] . McElwee P, Nghiem T, Le H, Vu H. Flood vulnerability among rural households in the Red River Delta of Vietnam: implications for future climate change risk and adaptation. *Natural Hazards*. 2017;86:465-92.
- [38] . Rudiarto I, Handayani W, Wijaya HB, Insani TD. Rural livelihood resilience: An assessment of social, economic, environment, and physical dimensions. *MATEC Web of Conferences: EDP Sciences*; 2019. p. 01002.
- [39] . Bice-Wigington T, Simmons LA, Huddleston-Casas C. An ecological perspective on rural, low-income mothers' health. *Social work in public health*. 2015;30(2):129-43.
- [40] . Yuan J, Lu Y, Ferrier RC, Liu Z, Su H, Meng J, et al. Urbanization, rural development and environmental health in China. *Environmental Development*. 2018;28:101-10.
- [41] . Keshavarz M, Karami E, Vanclay F. The social experience of drought in rural Iran. *Land use policy*. 2013;30(1):120-9.
- [42] . Khayyati M, Aazami M. Drought impact assessment on rural livelihood systems in Iran. *Ecological indicators*. 2016;69:850-8.
- [43] . Branco D, Féres J. Weather shocks and labor allocation: Evidence from rural Brazil. *American Journal of Agricultural Economics*. 2021;103(4):1359-77.
- [44] . Carnie TL, Berry HL, Blinkhorn SA, Hart CR. In their own words: Young people's mental health in drought-affected rural and remote NSW. *Australian Journal of Rural Health*. 2011;19(5):244-8.
- [45] . Machado GCXMP, Maciel TMdFB, Thiollent M. An integral approach of ecological sanitation in traditional and rural communities. *Ciência & Saúde Coletiva*. 2021;26:1333-44.
- [28] . Butterfield P, Postma J, Team ER. The TERRA framework: conceptualizing rural environmental health inequities through an environmental justice lens. *Advances in Nursing Science*. 2009;32(2):107-17.
- [29] . Turje M. Social workers, farmers and food commodification: Governmentality and neoliberalism in the alternative food movement. *Canadian Social Work Review/Revue Canadienne De Service Social*. 2012:121-38.
- [30] . Ge Y, Dou W, Wang X, Chen Y, Zhang Z. Identifying urban-rural differences in social vulnerability to natural hazards: a case study of China. *Natural Hazards*. 2021;108(3):2629-51.
- [31] . Negi VS, Maikhuri RK. Socio-ecological and religious perspective of agrobiodiversity conservation: issues, concern and priority for sustainable agriculture, Central Himalaya. *Journal of agricultural and environmental ethics*. 2013;26:491-512.
- [32] . Bondy M, Cole DC. Change as a double-edged sword: Ecological farmers' stressors and responses to changes in farming in Grey County, Ontario. *Journal of Rural and Community Development*. 2019;14(4).
- [33] . Rivera-Arriaga E, Williams-Beck L, Hernández LEV, Arjona MEG. Crafting grassroots' socio-environmental governance for a coastal biosphere rural community in Campeche, Mexico. *Ocean & coastal management*. 2021;204:105518.
- [34] . Arbuckle Jr JG, Morton LW, Hobbs J. Understanding farmer perspectives on climate change adaptation and mitigation: The roles of trust in sources of climate information, climate change beliefs, and perceived risk. *Environment and behavior*. 2015;47(2):205-34.
- [35] . Feng T, Cheng S, Min Q, Li W. Productive use of bioenergy for rural household in ecological fragile area, Panam County, Tibet in China: the case of the residential biogas model. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*. 2009;13(8):2070-8.

- [55] . Besthorn FH. Vertical farming: Social work and sustainable urban agriculture in an age of global food crises. *Australian Social Work*. 2013;66(2):187-203.
- [56] . Food, Nations AOotU. The impact of natural hazards and disasters on agriculture and food security and nutrition: a call for action to build resilient livelihoods. Food and Agriculture Organization of the United Nations; 2015.
- [57] . Wu H, Bryan C. Mobile livelihoods and adaptive social protection: Can migrant workers foster resilience to climate change? *Global Views on Climate Relocation and Social Justice*. Routledge; 2021. p. 180-93.
- [58] . Wu H. Airdropped urban condominiums and stay-behind elders' well-being: 10-year lessons learned from the post-wenchuan earthquake rural recovery. *Journal of Rural Studies*. 2020;79:24-33.
- [59] 59. Choudhury M-U-I, Haque CE, Nishat A, Byrne S. Social learning for building community resilience to cyclones: role of indigenous and local knowledge, power, and institutions in coastal Bangladesh. *Ecology & Society*. 2021;26(1).
- [60] . Wu H, Greig M, Bryan C. Promoting Environmental Justice and Sustainability in Social Work Practice in Rural Community: A Systematic Review. *Social Sciences*. 2022;11(8):336.
- [61] . Humble MN, Lewis ML, Scott DL, Herzog JR. Challenges in rural social work practice: When support groups contain your neighbors, church members, and the PTA. *Social Work with Groups*. 2013;36(2-3):249-58.
- [62] . Scherch J. Rural Community Transition and Resilience: What Now for Social Work? *Contemporary Rural Social Work Journal*. 2015;7(1):7.
- [63] . Kosec K, Mo CH. Aspirations and the role of social protection: Evidence from a natural disaster in rural Pakistan. *World Development*. 2017;97:49-66.
- [46] . Welch JR, Brondízio ES, Hetrick SS, Coimbra CE, Jr. Indigenous burning as conservation practice: neotropical savanna recovery amid agribusiness deforestation in Central Brazil. *PLoS One*. 2013;8(12):e81226. doi: 10.1371/journal.pone.0081226.
- [47] . Ku HB. Post-disaster community development in rural Sichuan, China. *Journal of Rural and Community Development*. 2015;10(3).
- [48] . Aftab A, Ahmed A, Scarpa R. Farm households' perception of weather change and flood adaptations in northern Pakistan. *Ecological Economics*. 2021;182:106882.
- [49] . Drolet JL, Sampson T. Addressing climate change from a social development approach: Small cities and rural communities' adaptation and response to climate change in British Columbia, Canada. *International Social Work*. 2017;60(1):61-73. doi: 10.1177/0020872814539984.
- [50] . García-Llorente M, Rossignoli C, Iacovo FPD, Moruzzo R. Social Farming in the Promotion of Social-Ecological Sustainability in Rural and Periurban Areas. *Sustainability*. 2016;8:1-15.
- [51] . Heflinger CA, Christens B. Rural behavioral health services for children and adolescents: An ecological and community psychology analysis. *Journal of Community Psychology*. 2006;34(4):379-400.
- [52] . Hamilton LC, Hartter J, Safford TG, Stevens FR. Rural environmental concern: Effects of position, partisanship, and place. *Rural Sociology*. 2014;79(2):257-81.
- [53] . Castillo A, Vega-Rivera JH, Pérez-Escobedo M, Romo-Díaz G, López-Carapia G, Ayala-Orozco B. Linking social-ecological knowledge with rural communities in Mexico: lessons and challenges toward sustainability. *Ecosphere*. 2018;9(10):e02470.
- [54] . Drexler K. Government extension, agroecology, and sustainable food systems in Belize milpa communities: a socio-ecological systems approach. *Journal of Agriculture, Food Systems, and Community Development*. 2020;9(3):85-97.

- [70] . Lindberg K, Walter L, Raviola E. Performing boundary work: The emergence of a new practice in a hybrid operating room. *Social science & medicine*. 2017;182:81-8.
- [71] . Sam AS, Kumar R, Kächele H, Müller K. Vulnerabilities to flood hazards among rural households in India. *Natural hazards*. 2017;88:1133-53.
- [72] . Lombard A, Viviers A. The micro–macro nexus: rethinking the relationship between social work, social policy and wider policy in a changing world. *The British Journal of Social Work*. 2020;50(8):2261-78.
- [73] . Powers M, Rinkel M, Kumar P. Co-Creating a “Sustainable New Normal” for social work and beyond: Embracing an ecosocial worldview. *Sustainability*. 2021;13(19):10941.
- [64] . Pulido L. Conversations in environmental justice: An interview with David Pellow. *Capitalism Nature Socialism*. 2017;28(2):43-53.
- [65] . He Q, Wang R, Ji H, Wei G, Wang J, Liu J. Theoretical model of environmental justice and environmental inequality in China’s four major economic zones. *Sustainability*. 2019;11(21):5923.
- [66] 66. Rhubarb D, Sun Y. The social correlates of flood risk: variation along the US rural–urban continuum. *Population and Environment*. 2021;43:232-56.
- [67] . Wu H, Greig M. Adaptability, interdisciplinarity, engageability: Critical reflections on green social work teaching and training. *Healthcare: MDPI*; 2022. p. 1245.
- [68] . Doll K, Karabanow J, Hughes J, Leviten-Reid C, Wu H. Homelessness within the COVID-19 pandemic in two Nova Scotian communities. *International Journal on Homelessness*. 2022;2(1):6-22.
- [69] . Riebschleger J. Social workers’ suggestions for effective rural practice. *Families in Society*. 2007;88(2):203-13.

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

Tavakoli, M., Faculty member of the Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; Head of the National Institute of Oceanography and Atmospheric Sciences

✉ m.parsi@inio.ac.ir

 [0000-000-7699-4636](https://orcid.org/0000-000-7699-4636)

Ali, Mokhtari Karchegani., Ph.D. Department of Geography and Rural Planning, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

✉ Ali_Mokhtari@Modares.ac.ir



این قسمت توسط نشریه تکمیل می‌گردد:



HOW TO CITE THIS ARTICLE

 <http://doi.org/10.52547/joc.15.58.10>

 <http://joc.inio.ac.ir/article-1-1817-fa.html>

 <https://orcid.org/0000-000-7699-4636>



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.